

تاثیر پیمان صلح آبراهام (ابراهیم) بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه

محمد بابایی^۱

میرعلی میریوسفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱

چکیده

آغاز ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا در سال ۲۰۱۶ موجب تحول در روند منازعه اعراب-اسرائیل شد. طرح‌های صلح ترامپ در حالی ارائه شد که از امضای قرارداد کمپ دیوید تنها اردن در سال ۱۹۹۴ حاضر به امضای قرارداد صلح با اسرائیل شده بود. هر چند طرح اول ترامپ موسوم به معامله قرن به نتیجه دلخواه آمریکا و اسرائیل نرسید اما برخی از کشورهای منطقه با حمایت ترامپ، به پیمان صلح آبراهام به عنوان طرح جایگزین پیوستند که به برقراری روابط رسمی با رژیم صهیونیستی انجامید. امضای این توافق و عادی سازی روابط با اسرائیل می‌تواند تحولاتی در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه ایجاد نماید. سوال اصلی پژوهش این است که پیمان صلح آبراهام چه تاثیری می‌تواند بر مجموعه امنیتی خاورمیانه داشته باشد؟ فرضیه ای که برای پاسخ به این پرسش مطرح می‌شود این است که پیمان صلح آبراهام از طریق تغییر در قطبش قدرت و الگوهای دوستی و دشمنی می‌تواند باعث تحول مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه گردد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که پیمان صلح آبراهام می‌تواند با کم رنگ کردن دشمنی با اسرائیل و برساختن تهدید مشترک از ایران منجر به شکستن انزوای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی، تقویت قطب عربستان در مقابل محور مقاومت و کاهش پیوند میان سه زیر مجموعه در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه گردد. اما مخالفت مردم منطقه با این روند به عنوان مانعی جدی در مقابل پیمان صلح آبراهام تلقی می‌شود. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و فضای مجازی انجام شده است.

واژگان کلیدی:

پیمان آبراهام-اعراب-اسرائیل-مجموعه امنیتی منطقه‌ای-قطبش قدرت-الگوهای دوستی و دشمنی

مقدمه

خاورمیانه نمونه بارز شکل‌گیری یک منازعه است. ریشه بسیاری از پویش‌های مربوط به منازعات منطقه به سال‌های بین دو جنگ جهانی بر می‌گردد. استقلال اسرائیل باعث بروز اولین منازعات میان فلسطینی‌ها و مهاجران صهیونیستی در سطح دولت شد و اولین جنگ بینادولتی چند جانبه را باعث شد (مناطق ۱۰۰). منازعه اعراب-اسرائیل موجب ظهور زنجیره‌ای از جنگ‌های اساسی و رشته بی‌پایانی از درگیری‌های نظامی در داخل اسرائیل و پیرامون آن شد. با خروج مصر از میان کشورهای عربی مبارز علیه رژیم صهیونیستی به واسطه قرارداد کمپ دیوید، روند درگیری نظامی میان اعراب و این رژیم متوقف شد اما با وجود تلاش قدرت‌های غربی و در راس آن‌ها آمریکا به منظور برقراری صلح میان فلسطینیان، کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی، اسرائیل همچنان به عنوان یک دولت مستقل در منطقه پذیرفته نشد.

با روی کار آمدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده، وی با همراهی داماد و مشاور یهودی خود، جرد کوشنر در صدد حل مسئله فلسطین بر آمد. در این راستا در ابتدا طرح صلح ترامپ که به معامله قرن معروف شد مطرح گردید اما این طرح به دلایل متعددی از جمله یکجانبه بودن، عدم توجه به مطالبات طرف فلسطینی، تضاد با طرح‌های بین‌المللی، مخالفت‌های منطقه‌ای و جهانی و غیره با شکست مواجه گردید. پس از این شکست، پیمان صلح آبراهام به عنوان ابتکار جدید آمریکا رونمایی شد که در ظاهر به دنبال عادی سازی روابط کشورهای خاورمیانه با اسرائیل و خارج شدن این رژیم از انزوای منطقه‌ای بود. اما بررسی موشکافانه این پیمان که تا کنون میان اسرائیل و کشورهای امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش به امضا رسیده است، ابعاد دیگری از این پیمان را آشکار می‌کند.

در چارچوب مباحث مطرح شده سوال اصلی پژوهش حاضر این است که پیمان صلح آبراهام چه تاثیری بر مجموعه امنیتی خاورمیانه می‌تواند داشته باشد؟ فرضیه



تاثیر پیمان صلح
آبراهام (ابراهیم)
بر مجموعه امنیتی
منطقه‌ای خاورمیانه



فصلنامه علمی
مطالعات فرهنگ
دیپلماسی، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۱



۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

Mohammadbabaee@khu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات خاورمیانه دانشگاه خوارزمی تهران

Mirali1993@gmail.com

مطرح شده در مقابل این پرسش بدین صورت می باشد که پیمان صلح آبراهام می تواند از طریق تغییر در قطبش قدرت و الگوهای دوستی و دشمنی خاورمیانه باعث تحول درونی این مجموعه امنیتی منطقه ای گردد. پژوهش حاضر در ادامه به بررسی این تاثیر بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای خواهد پرداخت.

چارچوب نظری

با انتشار کتاب بوزان با عنوان «مردم، دولت ها و هراس» دستور کار امنیت در نظریات امنیتی وارد مرحله تازه ای شد. به گفته بوزان حوادثی که در اواخر جنگ سرد در نظام بین الملل به وجود آمده، هم ابعاد جدیدی از امنیت را مطرح کرده است و هم مرجع امنیت از دولت ها به سوی جوامع و بازیگران فرادولتی و فرودولتی نیز سرایت پیدا کرده است. ولی وی معتقد است تحلیل های سطح کلان و سطح خرد نمی توانند پاسخگوی تغییرات ایجاد شده در ابعاد و مرجع امنیت باشند (سازمند و جوکار، ۱۳۹۴، ۱۵۴).

بری بوزان و الی ویور مدعی هستند امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود. از طرفی سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشور است. بنابراین آن ها سطح منطقه ای را به عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می کنند (نور محمدی و فصیحی دولت شاهی، ۱۳۹۷، ۱۵۸). آن ها نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای^۱ را ارائه می کنند. این نظریه در مقایسه با ایده های بسیار ساده ساز تک قطبی یا مرکز-پیرامون، دیدگاهی به مراتب جزئی تر ارائه می دهد، اما در عین حال مکمل آن ها می باشد، هر چند در بعد نظری تا حد درخور توجهی متکی به خود است (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۵۱). یکی از اهداف ابداع مفهوم مجموعه های امنیتی منطقه ای حمایت از سطح منطقه ای به عنوان سطح مناسب برای گستره وسیعی از تحلیل های امنیتی کاربردی بود.

این رویکرد، امنیت را به جای عینی دانستن برساخته اجتماعی می داند. پویایی تکوینی و ساختار مجموعه امنیتی منطقه ای توسط درک امنیتی دولت های درون آن از یکدیگر و تعامل شان با هم ساخته می شود (Soderbaum, 2003:142).

شکل گیری مجموعه های امنیتی منطقه ای از یک طرف ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و پیامدهای آن برای توازن قوا و از طرف دیگر ناشی از فشارهای نزدیکی جغرافیایی است (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۵۶). بر اساس این نظریه برای اینکه گروهی از دولت ها یا واحدها کیفیت مجموعه امنیتی منطقه ای داشته باشند باید از نظر امنیتی تا آن اندازه وابستگی متقابل داشته باشند که برای تبدیل آن ها به مجموعه های متصل و در عین حال مجزا از مناطق امنیتی پیرامون کفایت کند (نور محمدی و فصیحی دولت شاهی، ۱۳۹۷، ۱۵۸). بوزان در تعریف یک مجموعه امنیتی آن را مجموعه ای از واحدها می داند که در آن ها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیر

1. RSCT



امنیتی کردن یا هر دوی آن‌ها آن اندازه در هم تنیده شده اند که مشکلات امنیتی نمی‌توانند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شود (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۵۵). مجموعه امنیتی منطقه‌ای درباره شدت روابط امنیتی میان دولت‌ها است که به الگوهای متمایز منطقه‌ای منجر می‌شوند که توسط توزیع قدرت و روابط تاریخی دوستی و دشمنی شکل گرفته‌اند (Soderbaum & Shaw, 2003: 141).

برای تعیین و تعریف مناطق، تحلیل گران غالباً معیارهای زیر را ذکر کرده‌اند:

۱- خودآگاهی اعضا از اینکه یک منطقه را تشکیل داده و ادراکات و برداشت‌های دیگران از این که یک منطقه وجود دارد.

۲- مجاورت و نزدیکی جغرافیایی اعضا

۳- شواهد و قرآنی دال بر وجود میزانی از خودمختاری و تمایز از نظام جهانی بگونه‌ای که منطقه مورد نظر در قدرت نظام مسلط دخل و تصرف داشته و استقلال خود را به نمایش گذارد.

۴- تعاملات شدید و منظم بین اعضا یا وابستگی قابل توجه آن‌ها

۵- درجه بالایی از شباهت و قرابت‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگ (صفوی و نبوی، ۱۳۹۴، ۳۵).

ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای ۴ متغیر دارد:

۱- مرز که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند

۲- ساختار آنارشیک به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشد

۳- قطبش قدرت که پوشش دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست

۴- ساخت اجتماعی که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهاست (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۶۴).

درون ساختار آنارشیک دو نوع از روابط یعنی روابط قدرت و الگوهای دوستی و دشمنی ساختار بنیادین و ماهیت مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای را تعریف می‌کنند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۶۰). پویایی‌های داخلی مجموعه امنیتی را می‌توان در امتداد یک طیف قرار داد بر اساس اینکه تعریف وابستگی متقابل امنیتی توسط دوستی تعیین می‌شود یا دشمنی. این جنبه از تئوری کاملاً شبیه فرمول‌بندی سازه‌انگارانه جدید ونت از ساختارهای اجتماعی بین‌المللی از منظر دشمنی رقابت و دوستی است (Soderbaum & Shaw, 2003: 142). الگوهای دوستی-دشمنی درون یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، منظومه امنیتی منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهند که می‌تواند منجر به ایجاد طیف وسیعی از وابستگی امنیتی بین خود و دیگران شود (سازمند و

جوکار، ۱۳۹۴، ۱۵۶، ۱۵۷).

الگوهای دوستی و دشمنی را زمانی می‌توان به بهترین وجه فهمید که تحلیل از سطح منطقه آغاز شده و بازیگران جهانی از یک طرف و متغیرهای داخلی را از طرف دیگر در بر گیرد این الگوی ویژه که کی از چه کسی می‌ترسد یا چه کسی را دوست دارد عموماً از سطح سیستم وارد نمی‌شود بلکه با ترکیبی از تاریخ سیاست و شرایط مادی به صورت درونی در سطح منطقه تولید می‌شود (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۵۸).

دوستی‌ها تنفرهای تاریخی مثل موضوعات خاصی که موجب منازعه یا همکاری می‌شوند در شکل‌گیری مجموعه فراگیری از ترس‌ها تهدیدها و دوستی‌های تعریف کننده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نقش ایفا می‌کنند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۶۱). الگوهای دوستی و دشمنی از انواع موضوعات ناشی می‌گردد که می‌توان آن‌ها را صرفاً با بررسی توزیع قدرت فهمید این موضوعات امور ویژه ای چون اختلافات مرزی علاقه به جمعیت‌های مرتبط از لحاظ قومی و همسویی ایدئولوژیک گرفته تا ارتباطات مثبت یا منفی تاریخی مثل روابط یهودیان با اعراب‌ها و آمریکایی‌ها ویتنامی‌ها و چینی‌ها را شامل می‌گردد (سازمند و جوکار، ۱۳۹۴، ۱۵۷).

دشمنی اشاره به روابطی میان واحد هاست که در آن سوء ظن و ترس حاکم باشد و منظور از دوستی این است که روابط میان دولت‌ها طیف وسیعی از دوستی واقعی تا انتظار حمایت و حفاظت را شامل می‌شود (نور محمدی و فصیحی دولتشاهی، ۱۳۹۷، ۱۵۹).

بنابراین الگوهای دوستی و دشمنی در قالب‌های مادی و معنوی رده بندی می‌شوند در بحث مادی می‌توان به مسائلی همچون اختلافات مرزی رقابت قدرت‌ها برای برتری جویی منطقه‌ای اشاره کرد در بخش عوامل معنوی نیز می‌توان به هویت منازعات قومی مذهبی وجود ایدئولوژی‌های معارضة اشاره داشت (نور محمدی و فصیحی دولتشاهی، ۱۳۹۷، ۱۶۰).

با وجود این چهار متغیر اصلی تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی بوزان از یک عامل خارجی نیز به نام نفوذ یا پوشش نام می‌برد که هرچند ذاتی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نیست اما می‌تواند پوشش‌های درونی یک مجموعه را تحت تأثیر قرار دهد و تغییراتی در آن ایجاد کند بر پایه این نظریه نفوذ زمانی اتفاق می‌افتد که قدرت‌های خارجی با دولت‌های تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی یک صف بندی امنیتی را تشکیل دهند (سازمند و جوکار، ۱۳۹۴، ۱۵۶).

آنچه الگوی فراگیر توزیع قدرت میان قدرت‌های جهانی را به پوشش‌های منطقه‌ای

مجموعه‌های امنیتی پیوند می‌زند ساز و کار نفوذ است. نفوذ زمانی است که قدرت‌های خارجی با دولت‌های واقع در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای وارد صف بندی امنیتی می‌شوند. یک رقابت منطقه‌ای بومی نظیر رقابت هند و پاکستان فرصت‌ها یا تقاضاهایی برای نفوذ قدرت‌های بزرگ در منطقه فراهم می‌کند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۵۷).

از سوی دیگر، تقسیم جهان به مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مشتمل و مرتبط با یکدیگر موجب می‌شود تا این نظریه، چهار سطح تحلیل متفاوت را به یکدیگر پیوند دهد و در هر سطح مشخص نماید که چه چیزی باید برای تحلیل مبنا قرار گیرد. چهار سطح تحلیلی که این نظریه ارائه می‌دهد عبارتند از:

۱- در بعد داخلی در دولت‌های منطقه و مخصوصاً آسیب‌پذیری‌های داخلی آن‌ها. آسیب‌پذیری خاص یک دولت معرف نوع ترس‌های امنیتی آن است و گاهی باعث ایجاد تهدید ساختاری برای یک دولت دیگر یا گروهی از دولت‌ها می‌شود؛ حتی اگر آن دولت‌ها نیت خصمانه نداشته باشند.

۲- روابط دولت - ملت (که منطقه را آن گونه که هست شکل می‌دهد)

۳- تعامل منطقه با مناطق همسایه

۴- نقش قدرت‌های جهانی در منطقه (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۶۲).

منازعه فلسطین - اسرائیل

مناقشات منطقه‌ای عمدتاً متأثر از مناقشات اعراب-اسرائیل بوده و این نزاع برای ده‌ها بر فضای سیاسی خاورمیانه سیطره داشته است (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۴۶). از اشغال فلسطین و شکل‌گیری رژیم صهیونیستی چهار جنگ بین اعراب و رژیم صهیونیستی رخ داد که اعراب در همه آن‌ها شکست خورده‌اند. در این بین فرآیند صلح اعراب و اسرائیل یکی از مهم‌ترین و طولانی‌ترین موارد بحران در تاریخ خاورمیانه است (آجیلی و نصیری پایروند، ۱۴۰۰، ۸۱).

آخرین جنگ میان اعراب و اسرائیل به سال ۱۹۷۳ برمی‌گردد که بعد از آن مصر از گروه کشورهای عربی مبارز علیه رژیم صهیونیستی خارج و وارد روند صلح با اسرائیل به عنوان اولین کشور عربی شد. اولین توافق را جیمی کارتر رئیس‌جمهور دموکرات وقت ایالات متحده بین انور سادات رئیس‌جمهور مصر و مناحم بگین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ میانجیگری کرد که به پیمان کمپ دیوید معروف شد. هر چند انور سادات تاوان تابوشکنی خود را داد و به سبب این اقدامش دو سال بعد در هنگام یک نیروی ویژه نظامی توسط خالد

اسلامبولی و دیگر اعضای گروه جهاد اسلامی مصر ترور شد. نخستین موافقتنامه رودرروی حکومت رژیم صهیونیستی و سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) که به عنوان پیمان اسلو معروف است در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ با حضور یاسر عرفات، اسحاق رابین و بیل کلینتون به امضا رسید. البته در این ارتباط اسحاق رابین هم به سرنوشت انور سادات دچار و ترور شد. بیل کلینتون رئیس‌جمهور دموکرات آمریکا ایالات متحده، در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ نیز میانجی توافق اسحاق رابین، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و ملک حسین طلال پادشاه اردن دیگر کشور عربی منطقه بود که به عنوان معاهده صلح اردن و اسرائیل که گاهی وادی عربیه نیز نامیده می‌شود. (آجیلی و نصیری پایروند، ۱۴۰۰، ۸۱).

کفرانس صلح مادرید ۱۹۹۱ و نشست آنابولیس ۲۰۰۱ که اعراب توسط آمریکا و برای حل بحران دو ملت جمع شدند کافی نبود. تلاش‌های ایالات متحده به همین جا ختم نشد و جورج میشل در سال ۲۰۰۹ عازم خاورمیانه شد تا به دستور اوباما این پرونده را پیش برد و جلوی دخالت و ممانعت عربستان را در راستای شهرک‌سازی اسرائیل بگیرد. اما باز هم مطالبات آن‌ها بسیار بیشتر از بودجه بود که قرار بود صرفه مصالحه شود. جان کری وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۶ کشورهای عربی را برای صلح با اسرائیل تحت فشار قرار داد و البته در آن زمان اختلاف بین احزاب زیاد بود و نمی‌توانست فلسطین را تحت فشار قرار دهد. سعودی‌ها و دیگر رهبران جهان عرب حتی حاضر به نشستی بین‌المللی و مشترک با اسرائیل نبودند چه رسد به اینکه بخواهند گامی در عادی‌سازی بردارند (یادلین، ۱۳۹۹، ۱۶).

پس از قرارداد های صلح مصر و اردن، دیگر کشورهای خاورمیانه موضع اعلامی خود در خصوص رژیم صهیونیستی را حفظ کرده و تا روی کار آمدن ترامپ وارد تعاملات مستقیم و علنی با این رژیم نشدند. اما طرح صلح ترامپ موسوم به معامله قرن این شرایط را دگرگون نمود.

معامله قرن؛ طرح صلح نافرجام

معامله قرن اصطلاحی سیاسی است که از سوی دولت ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده در راستای روند صلح بین دولت فلسطین و دولت رژیم صهیونیستی و در ظاهر به منظور پایان دادن به بیش از ۷۰ سال منازعه فلسطین-رژیم صهیونیستی ارائه شده است. (آجیلی و نصیری پایروند، ۱۴۰۰، ۸۵). حیم سابان^۲ در گفتگوی خود

2. Haim Saban

در ابتدای دسامبر ۲۰۱۷ با جرد کوشنر (داماد و مشاور ارشد ترامپ)، برخی موارد مهم این طرح را بیان کرد. او این طرح را کمک کننده به ایجاد ثبات در منطقه و تضعیف کننده نفوذ ایران در منطقه نامید (The Saban forum, 2017).

این طرح شامل دو بخش اقتصادی و سیاسی است. کاخ سفید در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۹ بخش اقتصادی معامله قرن موسوم به صلح برای شکوفایی و اواخر ژانویه ۲۰۲۰ بخش سیاسی آن را منتشر ساخته و بر این اساس قرار است یک صندوق سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری برای ۱۷۹ پروژه زیربنایی و تجاری ایجاد گردد که واشنگتن امیدوار است که بخش اعظم مخارج آن را دولت‌های ثروتمند حاشیه خلیج فارس و کشورهای اروپایی و آسیایی همراه با سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تامین نمایند (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۵۳).

۶ دسامبر ۲۰۱۷ دونالد ترامپ رئیس جمهور وقت ایالات متحده بیت المقدس را به عنوان پایتخت دولت اسرائیل را به رسمیت شناخت و به وزارت خارجه دستور داد طرحی را برای انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت المقدس تهیه کند (The White House, 2017).

بر اساس طرح معامله قرن قرار است رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین و جنبش حماس توافق جدیدی برای ایجاد یک دولت انجام دهند. این دولت فلسطینی شامل کرانه باختری و نوار غزه است که توسط پلی به هم متصل خواهند شد؛ ولی زمین‌های اشغال شده توسط شهرک‌های صهیونیستی از این مناطق جدا و به رژیم صهیونیستی ملحق می‌شوند (فرجی راد و شاملو، ۱۳۹۹، ۲۵۵). بر اساس این طرح بخش‌هایی دیگر از فلسطین شامل نیمی از کرانه باختری و بخشی از بیت المقدس شرقی که از نظر جامعه جهانی به دولت فلسطین تعلق دارد به رژیم صهیونیستی واگذار می‌شود و در عمل رژیم صهیونیستی با تشکیل کشور مستقل فلسطینی در نیمه دیگر کرانه باختری و تمام نوار غزه و چندین محله از بیت المقدس شرقی موافقت می‌کند (آجیلی و نصیری پایروند، ۱۴۰۰، ۸۵). خلاصه طرح موسوم به معامله قرن این است که رژیم صهیونیستی، کشور ملت یهود است و فلسطین، با حاکمیت محدود، کشور ملی فلسطینی‌ها است (فرجی راد و شاملو، ۱۳۹۹، ۲۵۷).

اما وقتی ترامپ به طور یک جانبه بیت المقدس را به عنوان پایتخت اسرائیل با وجود مخالفت‌های شدید دیگر اعضای شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل به رسمیت شناخت، تشکیلات خودگردان فلسطین ضمن محکوم ساختن این اقدام ایالات متحده ربع قرن مذاکرات تحت موافقتنامه اسلو را ترک و تصریح نمود که

فلسطینی‌ها هرگز به ایالات متحده اجازه نخواهند داد تا دوباره نقش میانجی صلح را ایفا نماید (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۵۳).

طرح معامله قرن حتی با رویکرد «راه حل دو کشور» مغایرت داشته و مبتنی بر نقش محوری رژیم صهیونیستی در قالب راه‌حل یک کشور خواهد بود. بسیاری بر این موضوع اشاره دارند که معامله قرن هویت و موجودیت گروه‌های فلسطینی را تحت الشعاع قدرت و راهبرد رژیم صهیونیستی قرار می‌دهد (متقی، ۱۳۹۸، ۴). پس از مخالفت شدید فلسطینی‌ها با طرح صلح ترامپ و عدم حمایت کشورهای عملگرای عرب از این طرح که پوششی در الحاق یکجانبه اسرائیل بود، تیم صلح ترامپ تشخیص داد که طرح مزبور در بن بست قرار گرفته است (یادلین، ۱۳۹۹، ۴). مخالفت گروه‌های فلسطینی، نوار غزه، جبهه مقاومت، عدم همراهی افکار عمومی جهان عرب و اسلام، عدم همراهی اروپا و روسیه و مغایرت این طرح با قطعنامه‌های شورای امنیت مانع به نتیجه رسیدن این طرح گردید.

پیمان صلح آبراهام و عادی سازی روابط؛ پیمانی فراتر از صلح

توافق صلح آبراهام توافق نامه ای است که تا کنون با حمایت و میانجی گری آمریکا میان اسرائیل و کشورهای امارات، بحرین، مراکش و سودان به امضا رسیده است و این کشورها از طریق این توافق نامه به عادی سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی پرداخته اند. امارات متحده عربی به عنوان اولین امضا کننده این توافق، هدف از آن را جلوگیری از الحاق کرانه باختری به رژیم صهیونیستی که در معامله قرن مطرح شده بود عنوان نمود (بیژن، ۱۳۹۹). در ادامه به بررسی توافق نامه میان رژیم صهیونیستی و کشورهای مذکور خواهیم پرداخت:

الف- امارات متحده عربی

توافق نامه صلح آبراهام به منظور عادی سازی روابط و صلح بین اسرائیل و امارات متحده عربی ابتدا در ۱۳ اوت ۲۰۲۰ و طی بیانیه مشترک ایالات متحده و اسرائیل و امارات اعلام و ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در کاخ سفید امضا شد. با امضای این توافق امارات متحده به سومین کشور عربی بعد از مصر و اردن تبدیل شد که رسماً وارد این عادی سازی شد و روابط خود با اسرائیل را عادی سازی کرد (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۵۴). مهم‌ترین موارد این توافق نامه که جامع تر از توافق نامه های اسرائیل و بحرین، سودان و مراکش است بدین شرح می‌باشد:

دگرگونی خاورمیانه با برقراری صلح و عادی سازی کامل روابط بین طرفین از طریق تحریک رشد اقتصادی و تقویت نوآوری های تکنولوژیکی و ایجاد روابط نزدیک بین

مردم

- برقراری صلح و روابط دیپلماتیک و عادی سازی کامل روابط دوجانبه
- برقراری روابط بر اساس منشور ملل متحد و به رسمیت شناختن حق حاکمیت، توسعه روابط دوستانه میان خود و مردم
- ایجاد سفارتخانه، مبادله سفیر و برقراری روابط کنسولی
- جلوگیری از هرگونه فعالیت تروریستی یا خصمانه علیه یکدیگر در داخل یا خارج از قلمروهای مربوطه
- انعقاد تفاهم نامه های دوجانبه در زمینه های تامین مالی و سرمایه گذاری، هوانوردی مدنی، خدمات ویزا و کنسولی، روابط تجاری و اقتصادی و نوآوری، مراقبت های بهداشتی، علمی و تکنولوژیکی، استفاده صلح آمیز از فناوری فضایی، توریسم، فرهنگی، ورزشی، انرژی، محیط زیست، آموزشی، ترتیبات دریایی، ارتباطات و پست، امنیت، کشاورزی و غذا، آب و همکاری های مشروع
- ایجاد برنامه های مردمی، گفتگوی بین ادیان و مبادلات فرهنگی، دانشگاهی، جوانان، علمی و غیره بین مردمان خود
- همکاری در مقابله با افراط گرایی و تروریسم
- اعلام آمادگی طرفین برای پیوستن به ایالات متحده برای توسعه و راه اندازی دستور کار استراتژیک برای خاورمیانه به منظور گسترش دیپلماسی، تجارت، ثبات و همکاری منطقه ای (Abraham Accords peace Agreement Between the United Arab Emirates and, 2020) the State of Israel).
- دولت ترامپ در ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ به کنگره این کشور خبر داد که با فروش تسلیحات پیشرفته به امارات متحده به عنوان بخشی از توافق نامه صلح ابراهیم بین اسرائیل و امارات متحد موافقت نموده و سنای آمریکا نیز فروش تسلیحات نظامی به این کشور منجمله جنگنده های ۳۵ و پهپادهای پیشرفته به ارزش ۲۳ میلیارد و ۱۷۰ میلیون دلار حمایت کرد (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۵۴).
- ب- بحرین
- توافقنامه عادی سازی روابط دیپلماتیک و سایر روابط بین بحرین و اسرائیل در ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۰ توسط ترامپ اعلام شد. این توافق نامه در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ در کاخ سفید به طور رسمی امضا شد تا بحرین چهارمین کشور عربی باشد که اسرائیل را به رسمیت می شناسد. نکات مهم این توافق به شرح زیر است:
- به رسمیت شناختن حق حاکمیت هر دو کشور
- ادامه تلاش ها برای دستیابی به یک راه حل عادلانه، جامع و پایدار برای مناقشه

اسرائیل و فلسطین

- برقراری روابط دیپلماتیک کامل، ارتقای امنیت پایدار، اجتناب از تهدید و استفاده از زور
- پیشبرد همزیستی و فرهنگ صلح
- همکاری در زمینه های سرمایه گذاری، گردشگری، پروازهای مستقیم، امنیت، ارتباطات، فناوری، انرژی، مراقبت های بهداشتی، فرهنگ، محیط زیست و سایر زمینه ها
- گشایش متقابل سفارتخانه ها (Abraham Accords, 2020).
- در همین راستا ایالات متحده یک گروه بحرینی متهم به طراحی حمله علیه پرسنل آمریکایی مستقر در منطقه را در فهرست گروه های تروریستی قرار داد. مایک پمپئو^۲ وزیر خارجه پیشین آمریکا در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۰ با اعلام تحریم گردان های مختار^۴ این گروه را تهدیدی جدی علیه امنیت ملی و سیاست خارجی ایالات متحده و عامل حمله به پرسنل آمریکایی در بحرین خواند. این گروه پیشتر اعلام کرده بود که با حضور اسرائیل در بحرین مخالفت و مانع نفوذ آن خواهد شد (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۵۴).
- ج-سودان
- دونالد ترامپ در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۰ اعلام کرد که سودان و اسرائیل برای عادی سازی روابط بین دو کشور توافق کرده اند. به این ترتیب بعد از امارات متحده و بحرین، سودان نیز با میانجیگری واشنگتن درباره عادی کردن روابط خود با اسرائیل به توافق رسید. در بیانیه مشترک سه کشور آمده است: رهبران با عادی سازی روابط سودان و اسرائیل و پایان دادن به وضعیت جنگی بین کشورهای خود موافقت نمودند (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۵۴). متن امضا شده میان سودان، اسرائیل و ایالات متحده در واقع همان متن اعلامیه صلح آبراهام بوده و نسبت به توافق امضا شده میان اسرائیل و سه کشور عربی دیگر مختصر تر می باشد (Sudan, 2020) Agreement).
- در ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۰ آمریکا رسماً سودان را از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج کرد. دولت سودان در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ اعلام نمود که در راستای عادی سازی مناسبات خود با اسرائیل توافق موسوم به پیمان ابراهیم را با آمریکا امضا کرده است. وزارت دارایی سودان اعلام کرد که برای تسهیل بازپرداخت بدهی های خارجی خود به بانک جهانی با وزیر خزانه داری آمریکا یک تفاهم نامه به امضاء رسانده است. بر اساس این توافق سودان قادر خواهد بود هر سال حدود یک میلیارد دلار از بانک 3. Mike Pompeo

۴. سرایا المختار

جهانی وام دریافت کند (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۵۵).

د-مراکش

در ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ دولت اسرائیل در ادامه سیاست توسعه روابط با کشورهای عرب و خاورمیانه با میانجی گری آمریکا به توافق عادی سازی روابط با مراکش دست یافت و دو طرف ارتباطات رسمی خود را بعد از حدود ۲۰ سال از سر گرفتند. مراکش چهارمین کشور عربی است که در ماه های اخیر و پس از امارات، بحرین و سودان خصومت ها با اسرائیل را کنار می گذارد. اهم موارد این توافق بدین شرح می باشد:

- شناسایی حاکمیت مراکش بر صحرای غربی توسط آمریکا
 - تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی با مراکش
 - تاکید بر موضع تغییر ناپذیر و ثابت مراکش در مورد مسئله فلسطین
 - برقراری روابط صلح آمیز در راستای منافع مشترک دو کشور
 - برقراری پروازهای مستقیم بین مراکش و اسرائیل از طریق ایرلاین های دو کشور و عبور پروازها از فضای سرزمینی یکدیگر
 - ترویج همکاری های اقتصادی فراگیر و پویا
 - دنبال کردن همکاری در تجارت، تامین مالی و سرمایه گذاری در زمینه های تکنولوژیکی، هوانوردی مدنی، سرویس های کنسولی و ویزا، توریسم، آب، کشاورزی و غذا، امنیتی، توسعه، انرژی، ارتباطات و سایر بخش ها
 - بازگشایی نمایندگی ها در رباط و تل آویو (Joint Declaration, 2020).
- ایالات متحده به عنوان بخشی از توافق و در قبال شناسایی اسرائیل از سوی مراکش، پذیرفته است تا حاکمیت این پادشاهی شمال آفریقا بر صحرای غربی یعنی منطقه نفوذ جبهه پولیساریو را به رسمیت بشناسد (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹، ۵۵).

این توافق نامه ها را می توان از دو جنبه حائز اهمیت زیادی دانست. اول از این جهت که امضای توافق صلح میان چهار کشور عربی مذکور، موضع تقریباً واحد کشورهای عربی در مقابل اسرائیل به عنوان تهدید مشترک را دچار خلل جدی کرده و می تواند سدی که پیرامون رژیم صهیونیستی به وجود آمده بود و تحرکات منطقه آن را محدود کرده بود را بشکند و منجر به شکل گیری همکاری های امنیتی و ائتلاف های جدیدی در منطقه شود و دوم از این جهت که افزایش روابط میان کشورهای یاد شده و رژیم صهیونیستی الگوهای دوستی و دشمنی شکل گرفته در منطقه را تغییر داده و یکی از عوامل مهم بهم پیوستگی مجموعه امنیتی خاورمیانه و شمال آفریقا را دچار تحول نماید. در ادامه به بررسی تأثیر این توافق نامه بر دو

مولفه مهم مجموعه های امنیتی منطقه ای یعنی قطبش قدرت و الگوهای دوستی و دشمنی می پردازیم.

تأثیر پیمان صلح آبراهام بر قطبش قدرت

در رأس سلسله مراتب منطقه ای خاورمیانه، چهار قدرت اسرائیل، عربستان سعودی، ترکیه و ایران قرار دارند. این کشورها با چهار معیار عمده ای که در قدرت های منطقه ای اغلب مشترک است، مطابقت دارند: ادعای رهبری، در اختیار داشتن منابع انرژی لازم، بکارگیری استراتژی های موفق سیاست خارجی و پذیرش نقش رهبری توسط سایر دولت های منطقه (Kamrava, 2018: 604).

خاورمیانه که پس از جنگ دوم خلیج فارس شاهد حضور موثر دو ابرقدرت جهانی بود. پس از پایان جنگ سرد، منطقه شاهد صعود مستمر قدرت های سنی همسو با ایالات متحده، یعنی مصر، ترکیه و عربستان سعودی و متحدان خلیجی [فارس] آن، و مهار دوگانه ایران و عراق بود و عراق به ایران این فرصت را داد که به طور پیوسته نفوذ خود را در همسایگان جنگ زده خود در شرق و غرب گسترش دهد و تا دهه ۲۰۰۰ ایران به عنوان یک بازیگر مسلط در امور منطقه ظاهر شد (Kamrava, 2018: 605).

رقابت با سابقه ایران، عراق و عربستان با تحت فشار قرار گرفتن صدام و سپس سقوط وی با حمله آمریکا، به رقابت ایران و عربستان تبدیل شد و با توجه دیدگاه مخالف جمهوری اسلامی ایران در خصوص رهبری نظام جهانی توسط آمریکا، روابط گسترده و عمیق آمریکا با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و خصوصاً عربستان سعودی برقرار افزایش و موجب تقویت جایگاه این کشورها گردید. اما این روند با قدرت یافتن حزب الله در لبنان و شیعیان در عراق متحول شد.

با خروج رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان در اثر مقاومت اسلامی شکل گرفته در آن کشور و تقویت حزب الله و همچنین قدرت یافتن شیعیان در عراق به عنوان اکثریت جامعه عراقی پس از سقوط صدام، محور مقاومت به عنوان یک ائتلاف به رهبری ایران ظاهر شد. این محور دارای مولفه های سلبی و ایجابی متنوعی است اما یکی از مهم ترین مشخصه های این محور را می توان مخالفت با رژیم صهیونیستی دانست؛ هرچند کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نیز همواره حداقل در اعلام مواضع خود، بر حمایت از فلسطینیان تاکید داشتند اما این موضوع در محور مقاومت و ایران نمایان تر بود. رویارویی دو محور به رهبری ایران و عربستان در موضوعات مهمی مانند تحولات بیداری اسلامی، بحران سوریه و جنگ

یمن آشکار بود.

بررسی این حوادث در بازه سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ نشان از غلبه نسبی محور مقاومت بر محور شواری همکاری خلیج فارس است. در تحولات بیداری اسلامی حاکمان همسو و مورد حمایت غرب و عربستان سعودی سقوط کردند؛ سوریه و بشار اسد به عنوان عضوی از محور مقاومت در این محور حفظ شد و حکومت وابسته به عربستان در یمن ساقط شده و صنعا در اختیار انصار الله به عنوان عضوی از محور مقاومت قرار گرفت.

از طرف دیگر اسرائیل با وجود اینکه توسط دولت‌ها منطقه به رسمیت شناخته نشده است، مورد حمایت گسترده و همه جانبه آمریکا قرار داشته و با نیروی نظامی و سلاح هسته‌ای خود، در زمره قدرت‌های منطقه‌ای طبقه بندی می‌شود. اگرچه اسرائیل یکی از بازندگان تحولات بیداری اسلامی بود، اما این تحولات باعث به وجود آمدن زمینه‌های همکاری مشترک میان اسرائیل و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شد که با روی کار آمدن ترامپ این همکاری‌ها بر مبنای تهدید مشترک ایران، گسترش قابل توجهی یافت و به امضای پیمان صلح آبراهام شد.

این توافقنامه‌ها بر اساس ملاحظات امنیت ملی و به صورت دقیق تر برای تمرکز بر تهدید مشترک همه کشورهای منطقه (ایران) و متحدین مشترک (ایالات متحده) تنظیم شده اند (یادلین، ۱۳۹۹، ۱۰). در حقیقت پیمان صلح ابراهیم با مهندسی دونالد ترامپ و جرد کوشنر بر اساس تغییر رویکرد کشورهای عربی در تعیین دشمن حاصل شده است.

رئیس جمهور وقت آمریکا در اجلاس مه ۲۰۱۷ ریاض اذعان کرد که از شکل‌گیری جبهه متحد عربی-عربی بسیار خرسند است و از این جبهه در برابر تهدید مشترک ایران حمایت خواهد کرد (یادلین، ۱۳۹۹، ۱۴). بنابراین عربستان و آمریکا با داشتن یک تهدید مشترک در منطقه به ائتلاف راه‌بردی علیه جمهوری اسلامی ایران دست زدند (بهادرخانی، دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۹۹، ۲۰).

همانگونه که با بررسی پیمان صلح آبراهام مشخص گردید، این پیمان شامل همکاری در ابعاد امنیتی نیز بوده و خصوصا در پیمان صلح میان امارات و اسرائیل، علاوه بر این بعد، بر آمادگی طرفین برای راه‌اندازی دستور کار استراتژیک در خاورمیانه با مشارکت آمریکا تاکید شده است. ورود رژیم صهیونیستی به ائتلاف عربستان متشکل از برخی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و شمال آفریقا و برقراری ارتباط در زمینه‌های ذکر شده در این توافق و به طور ویژه همکاری‌های امنیتی، می‌تواند سبب تغییر در توزیع قدرت منطقه‌ای شود.

تقویت همکاری میان کشورهای امضا کننده این پیمان با اسرائیل و گسترش احتمالی دامنه این کشورها می‌تواند توان عملیاتی محور مقاومت و به خصوص ایران را به چالش بکشد. یکی از نتایج قابل تصور این پیمان حضور امنیتی اسرائیل در خلیج فارس خواهد بود که باعث ایجاد مسائل متعدد امنیتی در خلیج فارس برای جمهوری اسلامی ایران شده و موقعیت آن را در منطقه به خطر بیندازد. اما تشکیل ائتلافی با مشارکت اسرائیل در منطقه اثرات به مراتب مهم‌تری بر توزیع قدرت در منطقه خواهد گذاشت. تضعیف سوریه و تحت فشار قرار گرفتن حزب الله لبنان، تضعیف عراق از طریق دامن زدن به اختلافات داخلی و افزایش فشار بر یمن همگی می‌توانند حاصل همکاری‌های نظامی، امنیتی، تکنولوژیکی و مالی کشورهای عضو پیمان آبراهام باشند. از طرف دیگر همکاری کشورهای عربی با اسرائیل باعث خروج آن از انزوای منطقه‌ای شده و موقعیت اسرائیل را در تحولات منطقه تقویت و با توجه به قابلیت‌های اقتصادی و تکنولوژیکی و نظامی آن به عنوان یک قطب منطقه‌ای مطرح خواهد شد.

اراده صهیونیست‌ها در این است که این مجموعه امنیتی {خاورمیانه} بر اساس مراودات تجاری، اطلاعاتی و نظامی رشد یابد و هویت آن بر اساس دشمنی با ایران و ترویج ایران هراسی قوام پیدا کند. رژیم اسرائیل می‌خواهد در مقابل مجموعه امنیتی ایران، سوریه، حزب‌الله و حماس مجموعه امنیتی اسرائیل، امارات، بحرین، عربستان و آذربایجان را در کوتاه مدت ایجاد کند (حسینی، ۱۳۹۹، ۱۴۰) که نشانه‌های تشکیل این مجموعه در حال آشکار شدن است.

این ائتلاف که تحت سایه پیمان صلح ابراهیم در حال شکل‌گیری است، می‌تواند موجب تضعیف قطب مقاومت در خاورمیانه شده و مجموعه امنیتی خاورمیانه را با تحول درونی روبرو سازد.

تأثیر پیمان صلح آبراهام بر الگوهای دوستی-دشمنی خاورمیانه

درگیری‌ها میان فلسطینی‌ها و اسرائیل نبردی محلی بود که باعث دشمنی میان اسرائیل و همسایگان چسبیده به آن و جهان عرب در حالت گسترده‌تر شد (به طور اخص ایران پس از ۱۹۷۹). منازعه اعراب-اسرائیل که در کانون ناسیونالیسم فراملی عربی بود آن را تقویت و از برخی جهات تعریف کرد و باعث شد خاورمیانه به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای انسجام خود را حفظ کند. عربیسم و اسلام گرایی به عنوان سمبل‌های مشترک و تمرکز آن‌ها بر منازعه با اسرائیل بود که به پویای‌های امنیتی خاورمیانه امکان داد در چنین فاصله زیادی به یکدیگر متصل



شوند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۱۰۲). حال امضای توافق نامه صلح میان اسرائیل و کشورهای منطقه خاورمیانه می تواند این مجموعه امنیتی منطقه ای را تحت تأثیر قرار دهد.

همان طور که با مرور جزئیات توافق نامه ها مشخص گردید، این توافق نامه جنبه های مختلف تعاملات میان اسرائیل و چهار کشور امارات، بحرین، سودان و مراکش را در بر می گیرد. همکاری های دولتی در زمینه های اقتصادی، فرهنگی، علمی، پزشکی، امنیتی و غیره و گسترش این همکاری ها به حوزه مردمی می تواند منازعه اعراب-اسرائیل به عنوان یکی از مولفه های اصلی مجموعه امنیتی منطقه ای خاورمیانه را کم رنگ نموده و تحول درونی مجموعه امنیتی را رقم بزند. برقراری تعاملات مستقیم میان دولتی های مذکور و گسترش آن ها می تواند باعث پیدایش وابستگی در ابعاد اقتصادی و امنیتی شده و با پیدایش منافع مشترک از دیدگاه عملگرایانه، انگاره دشمن بودن اسرائیل را محو نماید.

همچنین از نظر اعراب و مسلمانان، قسمت اعظم تهدید در {خاورمیانه} ناشی از ارتباط نزدیک ایالات متحده با اسرائیل بود، ضمن اینکه یک ترس فرهنگی عمومی از غرب و دشمنی آن با ارزش های اسلامی نیز وجود داشت (بوزان و ویور، ۱۳۹۸، ۱۲۵). توافق صلح آبراهام که با حمایت و میانجی گری آمریکا به ثمر نشسته است به همراه تبادلات فرهنگی میان دولت های مذکور و همچنین مردم و همکاری در موضوعات مختلف میان اسرائیل، آمریکا و کشورهای عربی، می تواند تصور عمومی از تهدیدات نزدیکی آمریکا و اسرائیل را از میان برده و حتی آن را تبدیل به فرصتی جهت بهره مندی از مزایای این نزدیکی نماید.

تضعیف و کم رنگ شده منازعه اعراب-اسرائیل که عامل مهمی در پیوند سه زیر مجموعه امنیتی خاورمیانه (مغرب، شامات و خلیج فارس) است، می تواند سبب جدایی زیر مجموعه مغرب از مجموعه امنیتی خاورمیانه شده و مرز این مجموعه امنیتی را تغییر دهد.

هر چند به دلیل الگوهای منازعه ریشه دار و تعیین کننده در خاورمیانه، توافق صلح آبراهام توان ایجاد اجتماع امنیتی در این منطقه را ندارد اما کم رنگ شدن دشمنی اعراب-اسرائیل در سایه این توافق می تواند الگوهای دوستی و دشمنی را به سمت لای شدن و رژیم امنیتی سوق دهد؛ هر چند این روند با نادیده انگاشتن و به فراموشی سپردن حقوق فلسطینیان و سرزمین اشغال شده آنان همراه خواهد بود. با این وجود علیرغم تلاش پیمان صلح آبراهام در جهت تغییر الگوهای دوستی و دشمنی در منطقه خاورمیانه، مطابق با نظر سنجی «مرکز مطالعات و تحقیقات

سیاسی عرب^۵ که در سال ۲۰۲۰ انجام شده مردم منطقه همچنان اصلی ترین دشمن و منبع تهدید خود را رژیم صهیونیستی می دانند. این مرکز در نظر سنجی خود که در جدول (۱) آمده است، به واکاوی دیدگاه مردم کشورهای منطقه و عرب زبان در مورد مهم ترین تهدید جهان عرب پرداخته است. میانگین این نظرسنجی نشان می دهد اسرائیل همچنان تهدید شماره یک جهان عرب از دیدگاه مردم منطقه می باشد.



جدول ۱: دیدگاه مردم کشورهای عرب زبان پیرامون کشورهای تهدیدکننده امنیت جهان عرب در سال ۲۰۲۰

[مردم] کشور پاسخ داده	اسرائیل	ایالات متحده	ایران	کشورهای عربی	روسیه	کشورهای اروپایی	کشورهای دیگر	ترکیه	نامی نام / عدم پاسخ	منبع تهدید وجود ندارد
کویت	50.8	31	10.2	0.6	0.8	0.1	0.4	0.3	4.4	1.5
موریتانی	48.5	21	6.6	3.4	0.5	1	0.3	0	18.7	0
اردن	47.6	28.4	9.5	5	0.3	0.1	0.3	0.1	6.5	2.2
الجزایر	46.4	33.4	0.5	4.5	0	0.7	0	0.1	13.5	0.8
سودان	44	29.5	15	2.8	1.7	0.5	0.8	0.6	4.9	0.3
مراکش	38.7	20.8	6.6	2.7	2.4	0.4	3	0.6	15.6	9.3
لبنان	38	34.3	17.8	3	0.3	0	0.6	0.6	4.9	0.7
مصر	32.5	26.5	13.4	3.9	2.1	2	0.8	12.2	4.8	1.9
تونس	31.8	21.5	1.7	16	0.2	1.5	0	0.4	27	0
عراق	28.8	39.5	18.5	4	1.9	0.2	0	1.3	5.8	0
فلسطین	28.6	51	7.4	7.1	1	0.3	0.1	0.3	4.3	0
عمان	14.5	9.9	28.1	6.1	0.6	0.3	0.3	0.6	33.6	66.1
قطر	28	27	21	6	0	0	0	0	10	7
میانگین	37	29	12	5	1	1	1	1	11	2

۸۸
تأثیر پیمان صلح
آبراهام (ابراهیم)
بر مجموعه امنیتی
منطقه ای خاورمیانه

نتیجه گیری

روی کار آمدن ترامپ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا نقطه عطفی در منازعه اعراب-اسرائیل تلقی می‌شود. طرح‌های ترامپ و جرد کوشش به عنوان مشاور وی، به منظور حل مسئله فلسطین و در حقیقت برای به فراموشی سپردن آن تحولات مهمی را در منطقه خاورمیانه ایجاد کرد. طرح ترامپ برای صلح که به معامله قرن معروف شد، موارد چالش برانگیز متعددی از جمله انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به بیت المقدس، الحاق بلندی‌های جولان، بخش از کرانه باختری و بخشی از اردن به اسرائیل، سلب حق بازگشت فلسطینیان را شامل می‌شد که به دلیل مخالف‌های منطقه‌ای و جهانی و مغایرت با طرح‌های پذیرفته شده بین‌المللی به نتیجه مطلوب آمریکا و رژیم صهیونیستی نرسید اما زمینه را برای طرح دیگری مهیا کرد.

امارات متحده عربی که با امضای پیمان صلح آبراهام به عنوان سومین کشور عربی روابط خود را با اسرائیل عادی می‌کرد، ادعا نمود که با هدف جلوگیری از الحاق کرانه باختری به اردن به اقدام دست زده است. در ادامه سه کشور بحرین، سودان و مراکش نیز به این پیمان پیوسته و روابط خود با اسرائیل را عادی سازی کردند. این عادی سازی روابط بر اساس نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از دو طریق می‌تواند در مجموعه امنیتی خاورمیانه تحول ایجاد نماید.

اولین مورد ایجاد تغییر در توزیع و قطبش قدرت در منطقه می‌باشد. تقویت قطب عربستان و متحدانش در مقابل محور مقاومت و جمهوری اسلامی ایران و کمک به شکست انزوای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و تبدیل شدن آن به قطب منطقه‌ای در خاورمیانه را می‌توان از اثرات عملیاتی شدن این پیمان میان کشورهای عربی امضا کننده و گسترش آن میان سایر کشورها دانست. دومین اثر این پیمان را باید در تأثیر آن بر الگوهای دوستی و دشمنی و جستجو کرد. کم رنگ و محو شدن دشمنی با اسرائیل در منطقه هم می‌تواند اتصال مغرب به عنوان زیر مجموعه این مجموعه امنیتی منطقه‌ای از آن جدا کند و هم با تعریف تهدید مشترک از ایران، مناسبات منطقه‌ای متفاوتی را در تقابل با ایران ایجاد نماید. موفقیت پیمان صلح آبراهام در موارد یاد شده به دو معنا خواهد بود: اول اینکه تحول درونی مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه بر اثر تغییر توزیع قدرت و تغییر الگوهای دوستی و دشمنی رقم خورده و ترتیبات امنیتی جدید در منطقه به وجود خواهد آمد و دومین اثر تحول بیرونی است در اثر کم رنگ شدن اتصال میان زیر مجموعه‌های شامات و



خلیج فارس با مغرب و جدا شدن مغرب از مجموعه امنیتی خاورمیانه خواهد بود. هر چند پیمان صلح آبراهام نقطه آغاز تلاش برای تغییر در الگوی دوستی و دشمنی و توزیع قدرت در خاورمیانه نیست، اما یکی از مهم‌ترین عوامل تسریع این روند تلقی می‌شود. برقراری روابط اقتصادی با کشورهای منطقه از طریق تاسیس دفتر اقتصادی و شرکت‌های اسرائیلی یکی از موضوعات اعلام نشده ای بود که در سال‌های اخیر در جریان و بر مولفه‌های فوق‌تاثیرگذار بوده است. همچنین برجسته سازی تهدید ایران برای کشورهای منطقه و دامن زدن به ایران هراسی از جمله مواردی است که به صورت متعدد در سال‌های گذشته توسط مقامات کشورهای منطقه و رسانه‌ها مطرح شده که علاوه بر تأثیر بر الگوهای دوستی و دشمنی زمینه‌های مهمی را برای تغییر توزیع قدرت فراهم نموده است.

با این حال تغییراتی که این پیمان می‌تواند در توزیع قدرت و الگوهای دوستی و دشمنی ایجاد نماید با توجه به وضعیت آمریکا در منطقه، اهمیت ویژه ای می‌یابد. این تغییرات در آینده می‌تواند منجر به شکل‌گیری ائتلاف عربی-عربی در خاورمیانه شده که منافع آمریکا از جمله حفظ نفوذ آن بر منطقه، تسلط بر نفت خاورمیانه و امنیت رژیم صهیونیستی را در دورانی که آمریکا در سیاست خارجی خود رویکرد توجه به شرق را در دستور کار دارد، تأمین نماید. نقش فعال و جدی آمریکا در مذاکرات صلح میان چهار کشور عربی و اسرائیل و اعطای امتیازات ویژه به آن‌ها را نیز می‌توان در همین قالب تحلیل کرد. البته در مقابل موفقیت روندهای مذکور همچنان موانع بزرگی از جمله عدم همراهی و رضایت مردم منطقه وجود دارد.

منابع

- ۱- آجیلی، هادی، نصیری پایروند، سینا. (۱۴۰۰). تأثیر معامله قرن بر روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی، پژوهش و مطالعات اسلامی، سال ۳، شماره ۲۸: ۷۹-۱۰۴
- ۲- بوزان، باری، ویور، الی. (۱۳۹۸). مناطق و قدرت‌ها، (قهرمان پور، رحمن مترجم)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (نشر اصلی ۲۰۰۳)
- ۳- بهادرخانی، محمدرضا، دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۹). تأثیر تروریسم بر تغییر الگوی روابط دشمنی در مجموعه امنیتی غرب آسیا، مجله سیاست دفاعی، سال ۲۸، شماره ۱۱۱: ۹-۴۰
- ۴- بیژن، عارف. (۱۳۹۹). بررسی توافقنامه اسرائیل-امارات متحده عربی و پیامدهای آن برای ایران، از www.css.ir
- ۵- حسینی، سید محمد. (۱۳۹۹). موانع فزاینده منطقه گرایی درون زا در خاورمیانه از منظر مکتب کپنهاگ، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱۰، شماره ۴(۳۹): ۱۲۵-۱۴۶
- ۶- سازمند، بهاره، جوکار، مهدی. (۱۳۹۴). مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پوشش‌ها و الگوهای روابط کشورهای حوزه خلیج فارس، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۱۲، شماره ۲: ۱۵۱-۱۷۷
- ۷- صفوی، سید حمزه، نبوی، سید مهدی. (۱۳۹۴). تأثیر بحران سوریه بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا، فصلنامه منافع ملی، سال ۱، شماره ۲: ۳۳-۵۱
- ۸- فرجی راد، عبدالرضا، شاملو، رضا. (۱۳۹۹). واکاوی اهداف و اجزای طرح صلح ترامپ موسوم به معامله قرن و تأثیر آن بر جایگاه منطقه‌ای جبهه مقاومت، دوفصلنامه سیاست و روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۷: ۲۴۹-۲۷۸
- ۹- متقی، ابراهیم. (۱۳۹۸). پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی معامله قرن، فصلنامه گفت‌وگو راهبردی فلسطین، سال ۱، شماره ۲: ۱-۲۶
- ۱۰- ملکی، محمدرضا، محمدزاده ابراهیمی، فرزاد. (۱۳۹۹). چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی سازی روابط اسرائیل و جهان عرب، سال ۱۷، شماره ۳(۶۷): ۴۵-۶۴
- ۱۱- نور محمدی، مرتضی، فصیحی دولت‌شاهی، محمدعارف. (۱۳۹۷). کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۰، شماره ۲(۵۶): ۱۵۳-۱۸۹
- ۱۲- یادلین، عاموس. (۱۳۹۹). عادی سازی روابط اسرائیل با حوزه خلیج فارس (ترجمه فارسی مقاله عربی)، فصلنامه گفت‌وگو راهبردی فلسطین، دوره ۲، شماره ۴.
- 13- Abraham Accords. (2020). Declaration of Peace, Cooperation and constructive Dip-



lomatic and Friendly Relations Announced by the State of Israel and the Kingdom of Bahrain, September 15, at: https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/09/Bahrain_Israel-Agreement-signed-FINAL-15-Sept-2020-508.pdf

14- Abraham Accords peace Agreement Between the United Arab Emirates and The State of Israel. (2020). Treaty of Peace, Diplomatic Relations and Full Normalization Between the United Arab Emirates and The State of Israel. September 15, at: https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/09/UAE_Israel-treaty-signed-FINAL-15-Sept-2020-508.pdf

15- Joint Declaration. (2020). Morocco Joins Abraham Accords, December 22, at: [state.gov/wp-content/uploads/2021/01/Joint-Declaration-US-Morocco-Israel.pdf](https://www.state.gov/wp-content/uploads/2021/01/Joint-Declaration-US-Morocco-Israel.pdf)

16- Kamrava, Mehran. (2018). Multipolarity and instability in the Middle East, Orbis, 62:598-616.

17- Soderbaum F., Shaw T.M. (2003). Theories of New Regionalism, Palgrave Macmillan: London

18- Sudan Agreement. (2020). The Abraham Accords Declaration signed by Republic of Sudan, at: <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2021/01/Sudan-AA.pdf>

19- The Arab Center for Research and Policy Studies (2020), Arab Opinion Toward Iran 2019/2020. at: <https://www.dohainstitute.org/en/Lists/ACRPS-PDFDocumentLibrary/Arab-OpinionToward-Iran-2019-2020.pdf>

20- The Saban Forum (2017). America First and The Middle East: A Keynote Conversation with Jared Kushner. The Brookings Institution, December 3, at: <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2017/11/fp20171205keynotekushner.pdf>

21- The White House (2017). President Donald J. Trump's Proclamation on Jerusalem as the Capital of the State of Israel. December 06, at: <https://web.archive.org/web/20171206191507/https://www.whitehouse.gov/the-press-office/2017/12/06/president-donald-j-trumps-proclamation-jerusalem-capital-state-israel>

